

فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز

سال اول، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۵

## بررسی رابطه سبک‌های شناختی (شیوه‌های یادگیری) با عوامل شخصیتی دانشجویان کارشناسی دانشگاه تبریز

دکتر سیدداود حسینی‌نسب - دکتر در روانشناسی تربیتی - استاد دانشگاه تبریز  
حسین روئین - کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی - دانشگاه تبریز  
دکتر خلیل سلطان‌القرایی - دکتر در تعلیم و تربیت - دانشیار دانشگاه تبریز

### چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه سبک‌های شناختی (شیوه‌های یادگیری) با عوامل شخصیتی دانشجویان کارشناسی دانشگاه تبریز اجرا شده است. در این پژوهش ۳۷۷ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی در چهار گروه تحصیلی علوم پایه، علوم انسانی، فنی - مهندسی، کشاورزی به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبتی انتخاب شده و پرسشنامه سبک شناختی کلب و پرسشنامه عوامل شخصیتی NEO-FFI را تکمیل نموده‌اند. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که بین سبک‌های شناختی با توجه به عوامل شخصیتی تفاوت وجود دارد. بین شیوه‌های یادگیری با توجه به جنسیت و گروه‌های تحصیلی تفاوت وجود دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد برونگرایی همبستگی مثبت با شیوه‌های یادگیری تجربه عینی و آزمایشگری فعال و همبستگی منفی با شیوه‌های یادگیری مشاهده تأملی و مفهوم‌سازی انتزاعی دارد. ابعاد دلبذیری و باوجدان بودن با شیوه یادگیری آزمایشگری فعال رابطه مثبت و با تجربه عینی و مشاهده تأملی رابطه منفی دارند. ابعاد روان رنجورخویی و انعطاف‌پذیری با هیچکدام از شیوه‌های یادگیری ارتباط معنی‌داری ندارند. در ضمن یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد در گروه فنی - مهندسی بین سبک‌های شناختی در ابعاد برونگرایی، باوجدان بودن، و دلبذیر بودن تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در گروه علوم انسانی بین سبک‌های شناختی در هیچکدام از ابعاد شخصیت تفاوتی مشاهده نشده است. در گروه علوم پایه تنها بین سبک‌های شناختی در بعد روان رنجورخویی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در گروه کشاورزی بین سبک‌های شناختی در بعد برونگرایی تفاوت معنی‌دار است.

واژه‌های کلیدی: سبک شناختی، عوامل شخصیتی، دانشجو

## مقدمه

با وجودی که از این اصطلاح به طرق گوناگونی تعریف به عمل آمده، ولی عمدتاً بر این نکته تأکید دارند که سبک‌های شناختی<sup>۱</sup> شامل باورها یا اعتقادات، رجحانها و رفتارهایی است که افراد بکار می‌برند تا در موقعیت یادگیری به خود کمک کنند (حسینی‌لرگانی، ۱۳۷۷).

سبک‌های شناختی عادات یا رفتارهای ذهنی منظمی هستند که به راه‌حل مسأله، پردازش یا نقشه‌های ذهنی می‌پردازند و براساس توانایی‌های اولیه و پایه‌ای فرد بنا می‌شوند. سبک‌های شناختی بطور منطقی در مورد رجحان شناختی به تلاش فرد برای یادگیری موضوع، متفاوت خواهد بود. در واقع این سبک‌ها توانایی‌های بالقوه دائمی هستند که از فردی به فرد دیگر متغیر می‌باشند. سبک‌ها ممکن است بر یادگیری؛ بخصوص بر نحوه عملکرد فرد تأثیر بگذارند (دارپر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰).

به عبارتی مطالعه سبک‌های شناختی ریشه در روانشناسی شناختی و نظریه‌های شخصیت دارد. در واقع رویکرد شناختی به ویژگیهای فردی اشاره می‌کند که مستقیماً نتایج یادگیری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به عبارت دیگر رابطه نزدیکی با شخصیت، انگیزش، مراحل رشد، سبک‌های شناختی و راهبردها و نتایج یادگیری وجود دارد (روبوتمام<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵).

تجربیات کلاس درس نشان داده است که متغیرهای شناختی به تنهایی تعیین‌کننده پیشرفت افراد نیست. این متغیرها با نگرشها و علائق افراد، انگیزشها و حیطه گسترده‌ای از پاسخهای هیجانی مثل برانگیختگی و شاید بیش از همه اینها با اضطراب، در ارتباط متقابل هستند (فونتانا<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵). به همین منظور تحقیقاتی در

- 
- 1- Cognitive style
  - 2 - Draper
  - 3 - Robotham
  - 4 - Fontana

زمینه سبک‌های یادگیری و صفات شخصیتی انجام یافته است که نشان می‌دهد همه عناصر سبک‌های یادگیری حداقل با یکی از صفات شخصیتی در ارتباط می‌باشند (جسکون<sup>۱</sup> و جونز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶).

با توجه به نحوه فعلی‌گزینش دانشجو و نیز سیستم آموزشی کشور که ملاک انتخاب رشته تحصیلی کسب نمره و تأکید بر قوای ذهنی است، مشکلات و مسائلی از قبیل افت تحصیلی، عدم موفقیت در رشته تحصیلی و ترک تحصیل و حتی بطور غیرمستقیم شکست شغلی قابل پیش‌بینی است. بنابراین تحقیق حاضر درصدد است تا به این سؤال که آیا بین ابعاد شخصیت<sup>۳</sup> فرد و سبک‌های یادگیری او رابطه وجود دارد؟ پاسخ گوید. از این طریق می‌توان به دانش‌آموزان و دانشجویان کمک نمود تا با شناخت ابعاد شخصیتی خود شیوه‌های مناسب یادگیری و مطالعه را انتخاب و در امور تحصیلی موفق‌تر گردند.

## ادبیات پژوهش

### سبک‌های شناختی

نظریه‌پردازان سبک شناختی، با این واقعیت شروع به کار کرده‌اند که ما هر روزه در زندگی آگاهانه خویش از سوی محیط مورد هدف و بمباران محرکها قرار می‌گیریم و فقط به بخش کوچکی از این محرکها توجه می‌کنیم و از طریق رمزگردانی از آنها استفاده می‌کنیم و به معنای آن پی می‌بریم. نظریه‌پردازان سبک شناختی براین باورند که ارتباط و همسانی قابل تشخیصی در مورد نحوه کار ما در انجام فرایند

---

1 - Jackson

2 - Jones

3 - Personality

رمزگردانی وجود دارد. همچنین عقیده آنها بر این است که یک چنین همسانی نه فقط در شیوه حل مسئله و برخورد با مسائل تحصیلی، بلکه در مسائل اجتماعی نیز کاربرد دارند و به واقع در تمام مسائلی که ما در زندگی با آنها برخورد داریم، به کار می‌رود. به همین دلیل نظریه پردازان، سبک شناختی را به عنوان بخش اصلی و لاینفک شخصیت پذیرفته‌اند (وول فولک<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵). از بین انواع سبک‌های شناختی که بالغ بر ۳۱ مورد می‌باشند این پژوهش به بررسی ارتباط سبک‌های شناختی کلب با عوامل شخصیت پرداخته است. دیوید کلب<sup>۲</sup> در سال ۱۹۸۴ سبک‌های شناختی را شناسایی کرده است که با نوعی الگوی فرآیند یادگیری مطابقت دارد. در این الگو، یادگیری در یک چرخه چهار مرحله‌ای یا شیوه‌های یادگیری، مطابق شکل ۱ تصور شده است: ۱- تجربه عینی فوری، ۲- مشاهده و تفکر درباره آن تجربه، ۳- تدوین فرضیه یا نوعی نظریه درباره آن و ۴- آزمون فرضیه یا نظریه در موقعیتهای عملی (سیف، ۱۳۸۰).



شکل شماره ۱

(کلب و فرای، ۱۹۷۵)

1 - Woolfolk

2 - Kolb

کلب و فرای<sup>۱</sup> (۱۹۷۵) با ترکیب چهار شیوه یادگیری فوق چهار سبک شناختی را نام‌گذاری کرده‌اند. تفکر همگرا<sup>۲</sup>، واگرا<sup>۳</sup>، جذب‌کننده<sup>۴</sup>، انطباق‌یابنده<sup>۵</sup>. تفکر همگرا از ترکیب دو شیوه مفهوم‌سازی انتزاعی<sup>۶</sup> و آزمایشگری فعال<sup>۷</sup> تشکیل می‌شود. افراد دارای این سبک یادگیری در یافتن موارد استفاده عملی برای اندیشه‌ها و نظریه‌ها کارآمدند. به سخن دیگر، کسانی که از این سبک شناختی بهره‌مندند در حل مسائل و تصمیم‌گیری براساس راه‌حل‌هایی که برای مسائل می‌یابند توانا هستند. سبک شناختی واگرا از ترکیب تجربه عینی<sup>۸</sup> و مشاهده تأملی<sup>۹</sup> حاصل می‌شود. افراد دارای این سبک شناختی موقعیت‌های عینی را از زوایای مختلف می‌بینند. رویکرد آنان نسبت به موقعیت‌ها مشاهده کردن است تا عمل کردن. این افراد موقعیت‌هایی را که نیاز به ابزار اندیشه‌های متنوع دارند می‌پسندند و به جاذبه‌های متنوع فرهنگی و جمع‌آوری اطلاعات علاقه نشان می‌دهند. سبک شناختی جذب‌کننده از ترکیب مفهوم‌سازی انتزاعی و مشاهده تأملی به دست می‌آید. افراد دارای این سبک شناختی در کسب و درک اطلاعات گسترده و تبدیل آن به صورتی خلاصه، دقیق و منطقی توانا هستند. این افراد به طور عمده بر اندیشه‌ها و مفاهیم انتزاعی تأکید می‌ورزند. سبک انطباق‌یابنده، از اجتماع دو شیوه یادگیری تجربه عینی و آزمایشگری فعال به دست می‌آید. افراد دارای این سبک شناختی از تجارب دست اول می‌آموزند و از اجرای نقشه و درگیر

- 1 - Fry
- 2 - Convergent
- 3 - Divergent
- 4 - Assimiated
- 5 - Accommodated
- 6 - Abstract Conceptualization
- 7 - Active Experientation
- 8 - Concrete Experience
- 9 - Reflective Observation

شدن با اعمال چالش‌انگیز لذت می‌برند. این افراد بیشتر از آنکه به تحلیل‌های منطقی بپردازند امور محسوس را ترجیح می‌دهند.

#### شخصیت:

بعضی از روانشناسان شخصیت، جنبه بیوشیمیایی و فیزیولوژیکی کنش انسان را مطالعه می‌کنند. گروهی به افراد و رفتار مشهود انسان توجه می‌کنند، بعضی دیگر شخصیت را با توجه به ویژگیهایی چون فرآیندهای ناهشیار تعریف می‌کنند که بطور مستقیم قابل مشاهده نیست و باید از رفتار استنباط شود و سرانجام بعضی از روانشناسان، شخصیت را تنها از طریق ارتباط‌های متقابل افراد با همدیگر و یا نقش‌هایی که در جامعه بازی می‌کنند، تعریف کرده‌اند (پروین، ۱۳۷۳).

در شخصیت نظریه‌های مختلفی وجود دارد که شامل رویکرد روانکاوی، نو روانکاوی، رویکرد عمر، رویکرد رفتاری، رویکرد یادگیری اجتماعی، رویکرد شناختی، رویکرد انسانگرایی، رویکرد پردازش اطلاعات، و بالاخره رویکرد صفت است که رویکرد آخر مد نظر این پژوهش می‌باشد. به نظر روانشناسان رویکرد صفات، مردم ویژگیهای شخصیتی پایداری دارند که قابل سنجش و بررسی هستند. آنها قصد دارند این صفات را بطور دقیق و علمی توصیف کنند. طبقه‌بندی‌های صفت به زمان پزشک یونانی بقراط (۳۷۷-۴۶۰ قبل از میلاد) برمی‌گردد.

رابرت مک کری<sup>۱</sup> و پل کوستا<sup>۲</sup> که در مرکز پژوهش‌های پیری‌شناسی مؤسسه ملی تندرستی در بالتیمور مریلند کار می‌کردند، برنامه‌ای را در پیش گرفتند که پنج عامل شخصیت معروف به «۵ عامل نیرومند» یا «پنج بزرگ آ» را شناسایی کردند (به نقل از شولتز، ۱۳۷۹). این ابعاد شامل:

- 
- 1 - McCrae
  - 2 - Costa
  - 3 - Big Five

۱- بعد روان رنجورخویی<sup>۱</sup> (N): مؤثرترین قلمرو مقایسه شخصیتی، قابلیت سازگاری یا ثبات عاطفی و ناسازگاری یا نورو تسمیم است. متخصصین بالینی انواع گوناگون از ناراحتی‌های عاطفی چون ترس اجتماعی، افسردگی و خصومت را در افراد تشخیص می‌دهند؛ اما مطالعات بی‌شمار نشان می‌دهند افرادی که مستعد یکی از این وضعیت‌های عاطفی هستند احتمالاً وضعیت‌های دیگری را نیز تجربه می‌کنند (مک کری و کوستا، ۱۹۹۲؛ به نقل از گروسی فرشی، ۱۳۸۰).

۲- بعد برونگرایی<sup>۲</sup> (E): بعد برونگرایی افرادی را توصیف می‌کند که فعال، جرأت‌مند، پرنرزی، مشتاق، خونگرم، اجتماعی و بذله‌گو و پرحرف هستند (مک کری و جان<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲). دو خصوصیت برونگرایی، یعنی مثبت‌اندیشی و انرژی زیاد احتمالاً منجر به تعارض کمتر می‌شود (دینر<sup>۴</sup> و لوکاس<sup>۵</sup>، ۱۹۹۶).

۳- بعد انعطاف‌پذیری<sup>۶</sup> (O): سایر مدل‌های پنج‌عاملی اغلب این بعد را عقل‌نمایدانند این عامل بوسیله صفاتی نظیر هوش، اعمال خلاف عرف، تخیل، کنجکاوی و خلاقیت توصیف می‌شود (مک کری و کوستا، ۱۹۸۷؛ به نقل از گروسی فرشی، ۱۳۸۰). نمرات انعطاف‌پذیری با آموزش و نمرات هوش همبسته است اما انعطاف‌پذیری و هوش مترادف هم نیستند و لزوماً همه انعطاف‌پذیرها، باهوش و همه باهوشها انعطاف‌پذیر نیستند.

۴- بعد دلپذیر بودن<sup>۷</sup> (A): همانند برونگرایی، دلپذیر بودن مقدماً بعدی از تمایلات بین فردی است. این بعد با صفاتی همچون همکاری، گذشت، مهربانی،

- 1- Neuroticism
- 2 - Extraversion
- 3 - John
- 4 - Diner
- 5 - Lucas
- 6 - Openness
- 7 - Agreeableness

همدردی، خوش‌مشربی و اعتماد توصیف می‌شود (مک کری و جان، ۱۹۹۲). یک فرد دلپذیر اساساً نوع دوست است، او نسبت به دیگران همدردی کرده و مشتاق است که کمک کند و باور دارد که دیگران نیز متقابلاً کمک‌کننده هستند. در مقابل فرد غیردلپذیر ستیزه‌جو، خودمدار و شکاک نسبت به دیگران بوده و رقابت‌جو است تا همکاری‌کننده.

۵- بعد باوجدان بودن<sup>۱</sup> (C): کنترل خود می‌تواند به مفهوم قدرت طرح‌ریزی خیلی فعال، سازماندهی و انجام وظایف محوله به نحو مطلوب نیز باشد. تفاوت‌های فردی در این مورد اساس باوجدان بودن است. فرد باوجدان، هدفمند، بااراده و مصمم است. افراد موفق، موسیقیدانان بزرگ و ورزشکاران بنام این صفات را در حد بالا دارند. دیگمن<sup>۲</sup> و تاکوموتوچوک<sup>۳</sup> این حیطة را به نام تمایل به موفقیت نامیده‌اند (نقل از گروسی، ۱۳۸۰).

نایت<sup>۴</sup> و همکاران (۱۹۹۷) تحقیقی را با ۱۲۶ آزمودنی زن و ۸۷ آزمودنی مرد دارای دامنه سنی (۴۰-۱۸) انجام داده‌اند. نتیجه آن بود که مردان نسبت به زنان سبک‌های شناختی خود را از روی احساس گزارش کرده‌اند تا تفکر یعنی در پرسشنامه سبک شناختی نمرات بیشتری در تجربه عینی کسب کرده‌اند. بنابراین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که سبک شناختی زنان و مردان از هم متفاوت می‌باشد.

رحمانی (۱۳۷۹) پژوهشی در مورد رابطه بین سبک شناختی چهار رشته مختلف علوم انسانی، پزشکی، فنی - مهندسی و هنر با ویژگیهای شخصیتی انجام داد. در این پژوهش ابزار سنجش سبک‌های شناختی پرسشنامه کلب و ابزار سنجش ویژگیهای شخصیت، پرسشنامه آیزنک بوده است. نتایج این پژوهش نشان داد که

- 
- 1- Conscientiousness
  - 2 - Digman
  - 3 - Takemoto-Chock
  - 4 - Knight



بیشتر دانشجویان علوم انسانی دارای سبک انطباق یابنده، بیشتر دانشجویان پزشکی دارای سبک جذب‌کننده، بیشتر دانشجویان فنی - مهندسی دارای سبک واگرا و جذب‌کننده و بیشتر دانشجویان هنر دارای سبک همگرا هستند در این تحقیق بین سبک‌های شناختی و ابعاد درون‌گرایی و برون‌گرایی تفاوت معنی‌دار دیده شد. بطوریکه بیشتر دانشجویان دارای سبک واگرا و انطباق یابنده، برونگرا و بیشتر دانشجویان دارای سبک همگرا و جذب‌کننده درونگرا بودند و همچنین در این پژوهش در چهار رشته مختلف بین سبک‌های شناختی و بعد روان رنجورخویی (نوروتیسم) در هر دو جنس رابطه معنی‌دار دیده نشد.

جکسون و جونز (۱۹۹۶) در تحقیق‌شان پرسشنامه شخصیتی آیزنک و پرسشنامه سبک شناختی کلب را تحلیل عوامل نمودند. در تحلیل عوامل، برونگرایی (E) و روان‌پریشی خویی (P) با تعدادی از مؤلفه‌های چهار سبک یادگیری کلب رابطه داشتند، ولی روان رنجورخویی (N) با مؤلفه‌های سبک‌های شناختی در ارتباط نبود. در این تحقیق برونگرایی، همبستگی مثبت با آزمایشگری فعال (AE) و تجربه عینی (CE) همبستگی منفی با مشاهده تأملی (RO) و مفهوم‌سازی انتزاعی (AC) داشت. همچنین آنان به این نتیجه رسیدند که بین روان‌پریشی خویی و شیوه یادگیری آزمایشگری فعال همبستگی مثبت و بین روان‌پریشی خویی و شیوه یادگیری مفهوم‌سازی انتزاعی و مشاهده تأملی همبستگی منفی وجود دارد.

کلب و گولدمن<sup>۱</sup> (۱۹۷۳) در تحقیقات خود بر روی فارغ‌التحصیلان دانشگاه دریافتند دانشجویانی که رشته دانشگاهی خود را برحسب علاقه و سازگاری با سبک‌های شناختی خود انتخاب کرده‌اند اکثراً در زمینه‌های مربوط به رشته خود نیز حرفه‌شان را انتخاب کرده‌اند، ولی دانشجویانی که بدون توجه به سبک‌های‌شان انتخاب رشته کرده و در دانشگاه پذیرفته شدند، در زمینه‌های غیر از رشته خود مشغول به کار

---

1 - Goldman

هستند. این امر نشان می‌دهد که دانشجویان دسته اول توجه بیشتری نسبت به بقیه در مورد انتخاب شغلی و کار خود دارند.

### روش تحقیق

متغیر مستقل: سبک‌های شناختی (شامل سبک همگرا - سبک واگرا - سبک جذب‌کننده - سبک انطباق‌یابنده). توضیح اینکه سبک همگرا از دو شیوه یادگیری مفهوم‌سازی انتزاعی و آزمایشگری فعال؛ سبک واگرا از دو شیوه یادگیری تجربه‌عینی و مشاهده‌تأملی؛ سبک جذب‌کننده از شیوه یادگیری مفهوم‌سازی انتزاعی و مشاهده‌تأملی و سبک انطباق‌یابنده از شیوه یادگیری تجربه‌عینی و آزمایشگری فعال بوجود می‌آید.

متغیر وابسته: ابعاد شخصیت شامل بعد روان رنجورخویی - بعد برونگرایی - بعد انعطاف‌پذیری - بعد دلپذیر بودن - بعد باوجدان بودن.  
متغیرهای تعدیل‌کننده: ۱- گروه‌های تحصیلی (علوم پایه، علوم انسانی، کشاورزی، فنی - مهندسی) ۲- جنس متغیر کنترل: مقطع کارشناسی.

### سوالات تحقیق

- ۱- آیا بین سبک‌های شناختی با توجه به عوامل شخصیت دانشجویان گروه فنی - مهندسی تفاوت وجود دارد؟
- ۲- آیا بین سبک‌های شناختی با توجه به عوامل شخصیت دانشجویان گروه علوم انسانی تفاوت وجود دارد؟
- ۳- آیا بین سبک‌های شناختی با توجه به عوامل شخصیت دانشجویان گروه علوم پایه تفاوت وجود دارد؟
- ۴- آیا بین سبک‌های شناختی با توجه به عوامل شخصیت دانشجویان گروه کشاورزی تفاوت وجود دارد؟

### فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین سبک‌های شناختی (همگرا، واگرا، جذب‌کننده، انطباق‌یابنده) با توجه به عوامل شخصیت دانشجویان تفاوت وجود دارد.
- ۲- بین شیوه‌های یادگیری (تجربه عینی، مشاهده تأملی، مفهوم‌سازی انتزاعی، آزمایشگری فعال) با توجه به جنس و گروه‌های تحصیلی تفاوت وجود دارد.
- ۳- بین شیوه‌های یادگیری (تجربه عینی، مشاهده تأملی، مفهوم‌سازی انتزاعی، آزمایشگری فعال) با عوامل شخصیت رابطه وجود دارد.

### جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت است از کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل نیمسال دوم ۸۳-۸۲ مقطع کارشناسی گروه‌های علوم انسانی، علوم پایه، فنی مهندسی و کشاورزی دانشگاه تبریز که تعداد کل آنها ۷۴۰۳ نفر بوده است و به تفکیک جنس و گروه تحصیلی در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول شماره ۱- فراوانی براساس جنس و گروه تحصیلی

جمع	کشاورزی	علوم پایه	فنی - مهندسی	علوم انسانی	گروه جنس
۳۷۵۸	۵۳۲	۸۶۰	۱۳۸۵	۹۸۱	مرد
۳۶۴۵	۶۸۳	۱۲۱۷	۳۴۴	۱۴۰۱	زن
۷۴۰۳	۱۲۱۵	۲۰۷۷	۱۷۲۹	۲۳۸۲	جمع

در این پژوهش نمونه‌گیری به صورت تصادفی طبقه‌ای نسبتی می‌باشد و برای تعیین حجم نمونه از فرمول زیر استفاده شده است:

$$n = \frac{Nt^2.pq}{Nd^2 + t^2.pq} = \frac{7403 \times 1/96^2 \times 0/5 \times 0/5}{(7403 \times 0/05^2) + (1/96^2 \times 0/5 \times 0/5)} = 365/21 \approx 366$$

تعداد نمونه بدست آمده برابر با ۳۶۶ نفر بوده است که با در نظر داشتن افت احتمالی نمونه، تعداد آنها را به ۳۸۰ افزایش داده و از این تعداد اطلاعات موردنیاز از ۳۷۷ نفر جمع‌آوری شده است و برحسب نسبت زنان و مردان در هر گروه تحصیلی جامعه، در گروه نمونه توزیع شده است.

جدول شماره ۲- فراوانی برحسب جنس و گروه تحصیلی

گروه / جنس	علوم انسانی	فنی - مهندسی	علوم پایه	کشاورزی	جمع
مرد	۹۸۱	۱۳۸۵	۸۶۰	۵۳۲	۳۷۵۸
زن	۱۴۰۱	۳۴۴	۱۲۱۷	۶۸۳	۳۶۴۵
جمع	۲۳۸۲	۱۷۲۹	۲۰۷۷	۱۲۱۵	۷۴۰۳

### ابزار جمع‌آوری اطلاعات

به منظور جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های موردنیاز از پرسشنامه ۱۲ سؤالی با نام سپاه سبک شناختی کلب و پرسشنامه ۶۰ سؤالی شخصیت (NEO-FEI) استفاده شده است.

پرسشنامه سبک شناختی کلب دارای ۱۲ جمله است هر جمله شامل چهار قسمت است با نامهای به ترتیب تجربه عینی (CE) مشاهده تأملی (RO) مفهوم‌سازی انتزاعی (AC) و آزمایشگری فعال (AE). از جمع این چهار قسمت در دوازده سؤال پرسشنامه چهار نمره به دست می‌آید که این چهار نمره نشانگر چهار شیوه یادگیری است. از تفریق دوبه دوی این شیوه‌ها یعنی تفریق مفهوم‌سازی انتزاعی از تجربه عینی و آزمایشگری فعال از مشاهده تأملی دو نمره به دست می‌آید. این دو نمره بر روی محور مختصات قرار می‌گیرند. یکی محور عمودی یعنی (تجربه عینی - مفهوم‌سازی انتزاعی

(AC-CE) و دیگری محور افقی (مشاهده تأملی - آزمایشگری فعال AE-RO). این دو محور مختصات چهار ربع یک مربع را تشکیل می‌دهند که این چهار سبک شناختی با نامهای واگرا، همگرا، جذب‌کننده و انطباق‌یابنده در هریک از ربع‌های مربع قرار می‌گیرند. اولین بار حسینی لرگانی (۱۳۷۷) با مطالعه منابع مرتبط، پرسشنامه حاضر را به فارسی ترجمه کرده است و روایی پرسشنامه فوق را به تأیید چند نفر از اساتید دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی رسانده است. در تحقیقی که توسط جکسون و جونز (۱۹۹۶) انجام شد. پایایی هر چهار مقیاس سبک شناختی بین ۰/۶۹ تا ۰/۷۷ گزارش شده است. در این پژوهش ضریب پایایی پرسشنامه سبک‌های شناختی کلب بوسیله الفای کرونباخ در مؤلفه تجربه عینی ۰/۶۴، مشاهده تأملی ۰/۵۸، مفهوم‌سازی انتزاعی ۰/۷۲، و آزمایشگری فعال برابر با ۰/۶۸ به دست آمد. پرسشنامه شخصیتی NEO-FEI دارای ۶۰ سؤال است و برای ارزیابی پنج عامل اصلی شخصیت، برونگرایی (E)، روان رنجورخویی (N)، باوجدان بودن (C)، دلپذیر بودن (A) و انعطاف‌پذیری (O) به کار می‌رود. برای هریک از سؤالهای این پرسشنامه پنج گزینه کاملاً مخالفم، نظری ندارم، موافقم، کاملاً موافقم که نمره‌گذاری سؤالها به صورت ۴ و ۳ و ۲ و ۱ و ۰ (با در نظر گرفتن گویه‌های منفی) است. هر عامل ۱۲ سؤال را در برمی‌گیرد که در مجموعه ۵ عامل، ۶۰ سؤال این پرسشنامه را تشکیل می‌دهند. این پرسشنامه در ایران توسط گروسی فرشی ترجمه شده و ضریب پایایی به دست آمده برای عوامل A, O, E, N, C به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ بوده است (گروسی، ۱۳۸۰). در این پژوهش ضریب پایایی پنج بعد پرسشنامه به وسیله الفای کرونباخ شامل: روان رنجورخویی ۰/۸۰، برونگرایی ۰/۶۴، باوجدان بودن ۰/۶۹، انعطاف‌پذیری ۰/۵۶، دلپذیری ۰/۷۴ به دست آمده است.

## یافته‌های پژوهش

فرضیه شماره ۱: بین سبک‌های شناختی و عوامل شخصیت دانشجویان تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

برای آزمودن این فرضیه از تحلیل MANOVA استفاده شده است. با نگاهی به جدول شماره (۴) ملاحظه می‌شود که بین برونگرایی با سبک‌های شناختی ( $F=9/06$ ،  $Sig=0/000$ )؛ بین باوجدان بودن با سبک‌های شناختی ( $Sig=0/000$ )،  $F=6/40$ ؛ بین دلبذیری با سبک‌های شناختی ( $F=5/82$ ،  $Sig=0/001$ )؛ تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بین روان رنجورخویی با سبک‌های شناختی ( $Sig=0/76$ )،  $F=0/38$ ؛ بین انعطاف‌پذیری با سبک‌های شناختی ( $F=1/81$ ،  $Sig=0/145$ ) تفاوتی مشاهده نشد. طبق جدول (۳) میانگین نمرات برونگرایی در سبک انطباق‌یابنده ( $30/72$ ) بیشتر از سایر سبک‌هاست. میانگین نمرات دلبذیری ( $31/52$ ) در سبک همگرا بیشتر از سبک‌های دیگر می‌باشد و بالاخره میانگین باوجدان بودن در سبک همگرا ( $32/61$ ) و انطباق‌یابنده ( $32/58$ ) بالاتر از سبک‌های دیگر است. بررسی دقیق‌تر نتایج در جدول (۵) نشان می‌دهد تفاوت میانگین نمره برونگرایی دانشجویان در سبک جذب‌کننده با واگرا و انطباق‌یابنده و همچنین تفاوت سبک انطباق‌یابنده با همگرا معنی‌دار است. تفاوت میانگین نمره دلبذیری دانشجویان در سبک همگرا با واگرا و جذب‌کننده معنی‌دار است. تفاوت میانگین نمره باوجدان بودن دانشجویان در سبک همگرا با واگرا و جذب‌کننده و همچنین سبک انطباق‌یابنده با جذب‌کننده و واگرا معنی‌دار است.

جدول شماره ۳- آمار توصیفی عوامل شخصیت براساس سبک‌های شناختی

سبک	عوامل شخصیت				
	روان رنجورخویی	برونگرایی	انعطاف‌پذیری	دلبذیری	باوجدان بودن
همگرا	21/82	27/56	28/14	31/52	32/61
انحراف استاندارد	7/44	6/35	4/78	5/95	6/05
واگرا	21/60	28/72	29/24	28/52	29/57
انحراف استاندارد	8/67	6/50	5/02	6/49	7/77

۲۹/۴۰	۲۸/۶۶	۲۸/۵۲	۲۶/۱۶	۲۱/۱۱	میانگین	جذب‌کننده
۷/۶۹	۶/۳۶	۵/۳۴	۵/۶۵	۷/۸۶	انحراف استاندارد	
۳۲/۵۸	۳۰/۵۹	۲۹/۸۱	۳۰/۷۲	۲۲/۴۱	میانگین	انطباق‌یابنده
۵/۵۵	۵/۱۴	۵/۸۶	۵/۲۸	۸/۸۸	انحراف استاندارد	

جدول شماره ۴- آزمون مانوا برای تعیین تفاوت بین سبک‌های شناختی با عوامل

شخصیت

Sig	F	میانگین مجذورات	df	مجموع مجذورات	متغیر وابسته	منبع پراکندگی
۰/۷۶۴	۰/۳۸	۲۵/۷۹	۳	۷۷/۳۸۸	N	سبک
۰/۰۰۰	۹/۰۶	۳۲۶/۶۵	۳	۹۷۹/۹۷	E	
۰/۱۴۵	۱/۸۱	۴۹/۵۶	۳	۱۴۸/۶۹	O	
۰/۰۰۱	۵/۸۲	۲۱۳/۲۰	۳	۶۳۹/۶۱	A	
۰/۰۰۰	۶/۴۰	۳۰۴/۳۶	۳	۹۱۳/۰۹	C	
		۶۷/۱۰	۳۷۷	۲۵۰۲۸/۹۳	N	خطا
		۳۶/۰۵	۳۷۷	۱۳۴۴۷/۷۹	E	
		۲۷/۳۸	۳۷۷	۱۰۲۱۵/۶۹	O	
		۳۶/۶۲	۳۷۷	۱۳۶۶۲/۶۳	A	
		۴۷/۵۰	۳۷۷	۱۷۷۲۰/۸۱	C	
			۳۷۷	۲۰۲۷۲۳	N	کل
			۳۷۷	۳۱۳۳۰۹	E	
			۳۷۷	۳۲۴۷۵۹	O	
			۳۷۷	۳۴۹۲۹۶	A	

			۳۷۷	۳۸۰۵۵۹	C	
--	--	--	-----	--------	---	--

جدول شماره ۵- آزمون تعقیبی شفه برای سبک‌های شناختی با عوامل شخصیت

سبک انطباق‌یابنده	سبک جذب‌کننده	سبک واگرا	سبک همگرا	متغیر	
*	*	*	*	همگرا واگرا جذب‌کننده انطباق‌یابنده	E
	*	*	*	همگرا واگرا جذب‌کننده انطباق‌یابنده	A
*	*	*	*	همگرا واگرا جذب‌کننده	C



	*	*		انطباق یابنده	
--	---	---	--	---------------	--

### فرضیه شماره ۲: بین شیوه‌های یادگیری با توجه به جنس و گروه تحصیلی

تفاوت وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از تحلیل MANOVA استفاده شده است. با نگاهی به جدول شماره (۸) ملاحظه می‌شود که بین جنس و شیوه عینی ( $Sig=0/003$ )، ( $F=179$ )؛ بین جنس و شیوه مشاهده تأملی ( $F=10/33$ ,  $Sig=0/001$ )؛ تفاوت وجود دارد. بین جنس و شیوه مفهوم‌سازی انتزاعی ( $F=0/03$ ,  $Sig=0/847$ )؛ بین جنس و شیوه آزمایشگری فعال ( $F=1/25$ ,  $Sig=0/263$ ) تفاوتی دیده نشد. با نگاهی به جدول (۶) مشاهده می‌شود میانگین نمره مردان در تجربه عینی بالاتر از زنان است که نشان می‌دهد شیوه یادگیری مردان در مقایسه با زنان عینی‌تر است. زنان نیز دارای میانگین نمره بالایی در مشاهده تأملی‌اند، این امر بیانگر این مطلب می‌باشد که زنان تأملی‌تر از مردان هستند. تحلیل مانوا در جدول (۸) نشان می‌دهد که بین گروه‌های مختلف در شیوه تجربه عینی ( $F=5/09$ ,  $Sig=0/002$ )، در مشاهده تأملی ( $F=2/57$ ,  $Sig=0/05$ )؛ در مفهوم‌سازی انتزاعی ( $F=5/47$ ,  $Sig=0/001$ )؛ در آزمایشگری فعال ( $F=3/74$ ,  $Sig=0/01$ ) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. اثر تعاملی جنس و گروه تحصیلی تنها در شیوه یادگیری مفهوم‌سازی انتزاعی ( $F=4/16$ ,  $Sig=0/006$ ) معنی‌دار است. آمار توصیفی در جدول (۷) نشان می‌دهد میانگین نمرات شیوه تجربه عینی در گروه کشاورزی ( $31/74$ )؛ مشاهده تأملی در گروه کشاورزی ( $30/03$ )؛ مفهوم‌سازی در گروه علوم پایه ( $30/49$ )؛ آزمایشگری فعال در گروه انسانی ( $30/20$ ) بالاتر از گروه‌های دیگر است. آزمون شفه نشان می‌دهد در مؤلفه تجربه عینی تفاوت

بین گروه پایه با فنی و کشاورزی معنی‌دار است. در مفهوم‌سازی انتزاعی بین گروه پایه با فنی و انسانی تفاوت مشاهده شده معنی‌دار است. در آزمایشگری فعال بین گروه انسانی و کشاورزی تفاوت وجود دارد اما در سایر گروه‌ها تفاوتی مشاهده نشده است.

جدول شماره ۶- آمار توصیفی شیوه‌های یادگیری براساس جنس

مفهوم‌سازی انتزاعی	آزمایشگری فعال	مشاهده تأملی	تجربه عینی	شیوه‌های یادگیری جنس
۲۸/۵۵	۲۹/۵۰	۲۷/۹۸	۳۰/۷۲	مرد میانگین
۵/۸۶	۶/۱۷	۶/۰۳	۶/۴۶	انحراف استاندارد
۲۸/۰۷	۲۸/۸۳	۲۹/۸۷	۲۸/۳۸	زن میانگین
۶/۵۰	۶/۳۳	۵/۴۹	۶/۲۸	انحراف استاندارد

جدول شماره ۷- آمار توصیفی شیوه‌های یادگیری براساس گروه تحصیلی

مفهوم‌سازی انتزاعی	آزمایشگری فعال	مشاهده تأملی	تجربه عینی	شیوه‌های یادگیری گروه تحصیلی
۲۷/۲۰	۲۷/۹۰	۳۰/۰۳	۳۱/۷۴	کشاورزی میانگین
۶/۳۴	۴/۵۸	۵/۷۵	۵/۳۵	انحراف استاندارد
۲۸/۴۷	۲۷/۵۹	۲۸/۶۳	۳۰/۶۰	فنی میانگین
۶/۵۳	۶/۱۹	۵/۹۵	۶/۷۷	انحراف استاندارد

۳۰/۲۰	۲۷/۱۶	۲۷/۹۱	۲۹/۳۱	میانگین	انسانی
۶/۰۷	۶/۶۱	۶/۰۲	۶/۱۹	انحراف استاندارد	
۲۹/۶۹	۳۰/۴۹	۲۹/۶۶	۲۷/۷۳	میانگین	پایه
۵/۹۱	۶/۰۰	۵/۴۴	۶/۶۸	انحراف استاندارد	

جدول شماره ۸- آزمون مانوا برای تعیین تفاوت بین جنس و گروه تحصیلی باشیوه‌های

یادگیری

Sig	F	میانگین مجذورا ت	df	مجموع مجذورات	متغیر وابسته	منبع پراکندگی ی
۰/۰۰۳	۹/۱۷	۳۶۲/۱۶۱	۱	۳۶۲/۱۶۱	تجربه عینی	جنس
۰/۰۰۱	۱۰/۳۳	۳۴۲/۱۱۷	۱	۳۴۲/۱۱۷	مشاهده تأملی	
۰/۸۴۷	۰/۰۳	۱/۳۳۰	۱	۱/۳۳۰	مفهوم‌سازی انتزاعی	
۰/۲۶۳	۱/۲۵	۴۷/۷۹۸	۱	۴۷/۷۹۸	آزمایشگری فعال	
۰/۰۰۲	۵/۰۹	۲۰۱/۰۸۰	۳	۶۰۳/۲۴۱	تجربه عینی	گروه تحصیلی
۰/۰۵۴	۲/۵۷	۸۵/۱۹۹	۳	۲۵۵/۵۹۶	مشاهده تأملی	
۰/۰۰۱	۵/۴۷	۱۹۵/۵۰۸	۳	۵۸۶/۵۲۴	مفهوم‌سازی انتزاعی	
۰/۰۱۱	۳/۷۴	۱۴۲/۸۰۳	۳	۴۲۸/۴۰۸	آزمایشگری فعال	
۰/۶۸۸	۰/۴۹	۱۹/۴۱۹	۳	۵۸/۲۵۶	تجربه عینی	*جنس رشته تحصیلی
۰/۹۰۳	۰/۱۹	۶/۳۰۹	۳	۱۸/۹۲۶	مشاهده تأملی	
۰/۰۰۶	۴/۱۶	۱۴۸/۶۶۸	۳	۴۴/۰۰۴	مفهوم‌سازی انتزاعی	
۰/۳۹۶	۰/۹۹	۳۷/۸۵۴	۳	۱۱۳/۵۶۱	آزمایشگری فعال	
		۳۹/۴۸۰	۳۶۹	۱۴۵۶۸/۲۲۸	تجربه عینی	خطا

		۳۳/۱۰۱	۳۶۹	۱۲۲۱۴/۱۸۸	مشاهده تأملی	
		۳۵/۶۸۵	۳۶۹	۱۳۱۶۷/۹۳۳	مفهوم‌سازی انتزاعی	
		۳۸/۰۹۶	۳۶۹	۱۴۰۵۷/۳۶۱	آزمایشگری فعال	
			۳۷۷	۳۴۵۲۹۶	تجربه عینی	کل
			۳۷۷	۳۲۸۱۶۷	مشاهده تأملی	
			۳۷۷	۳۱۶۷۱۶	مفهوم‌سازی انتزاعی	
			۳۷۷	۳۳۵۶۰۵	آزمایشگری فعال	

جدول شماره ۹- آزمون تعقیبی شفه برای شیوه‌های یادگیری با گروه تحصیلی

متغیر	سبک همگرا	سبک واگرا	سبک جذب‌کننده	سبک انطباق‌یابنده
تجربه عینی	*	*		* *
مفهوم‌سازی		*	*	* *
آزمایشگری فعال	*		*	

**فرضیه شماره ۳:** بین عوامل شخصیت و شیوه‌های یادگیری رابطه

وجود دارد.

جهت بررسی این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. همانگونه که در جدول (۱۰) مشاهده می‌شود برونگرایی همبستگی مثبت معنی‌داری با شیوه تجربه عینی و آزمایشگری فعال و همبستگی منفی با مشاهده تأملی و مفهوم‌سازی انتزاعی دارد. دلپذیری و باوجدان بودن رابطه منفی با تجربه عینی و آزمایشگری فعال و رابطه مثبت با مشاهده تأملی دارند همچنین روان رنجورخویی و انعطاف‌پذیری هیچ رابطه معنی‌داری با شیوه‌های یادگیری ندارند.

**جدول شماره ۱۰- آزمون همبستگی بین عوامل شخصیت و شیوه‌های یادگیری**

متغیرها	تجربه عینی	مشاهده تأملی	مفهوم‌سازی	آزمایشگری فعال
N ضریب همبستگی	۰/۰۲۳	-۰/۰۱۳	-۰/۰۸۷	-۰/۰۱۵
سطح معنی‌داری	۰/۶۵۲	۰/۸۰۳	۰/۰۹۱	۰/۷۶۵
E ضریب همبستگی	۰/۲۶۶**	-۰/۱۵۹**	-۰/۱۸۵**	۰/۱۹۶**
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
O ضریب همبستگی	۰/۰۷۱	-۰/۰۳۱	۰/۰۱۰	-۰/۰۶۱
سطح معنی‌داری	۰/۱۶۹	۰/۵۵۱	۰/۸۴۲	۰/۲۳۶
A ضریب همبستگی	-۰/۱۶۲**	-۰/۱۰۸*	-۰/۰۳۵	۰/۳۷۳**
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۲	۰/۰۳۶	۰/۴۹۸	۰/۰۰۰

۰/۳۵۹**	۰/۰۱۲	-۰/۱۳۴**	-۰/۱۳۴**	ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	۰/۸۲۲	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	سطح معنی‌داری

\*- در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است.

\*\* - در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است.

### سؤال شماره ۱: آیا بین سبک‌های شناختی و عوامل شخصیت دانشجویان

گروه فنی - مهندسی تفاوت وجود دارد. برای آزمون این سؤال از تحلیل مانوا استفاده شده است. با نگاهی به جدول شماره (۱۲) ملاحظه می‌شود که بین برونگرایی با سبک‌های شناختی ( $F=7/70$ ,  $Sig=0/000$ ); بین باوجدان بودن با سبک‌های شناختی ( $F=17/65$ ,  $Sig=0/000$ ); بین دلبذیری با سبک‌های شناختی ( $Sig=0/000$ ), تفاوت معنی‌داری وجود دارد. میانگین نمره برونگرایی در سبک انطباق یابنده (۳۳/۲۶) بیشتر از سایر سبک‌هاست. میانگین نمره در عامل دلبذیری (۳۴/۸۵) و نمره باوجدان بودن (۳۳/۵۵) در سبک همگرا بالاتر از سبک‌های دیگر است. بررسی دقیق‌تر نتایج در جدول (۱۳) نشان توجه به عامل برونگرایی بین سبک انطباق یابنده با همگرا و جذب‌کننده تفاوت وجود دارد اما بین سایر سبک‌ها تفاوتی مشاهده نشد. با توجه به عامل دلبذیری بین میانگین سبک همگرا با واگرا و جذب‌کننده و همچنین میان سبک انطباق یابنده با جذب‌کننده تفاوت معنی‌دار است. با در نظر گرفتن عامل باوجدان بودن میان سبک همگرا با واگرا و جذب‌کننده و همچنین بین انطباق یابنده با واگرا و جذب‌کننده تفاوت مشاهده شده معنی‌دار است.

جدول شماره ۱۱- آمار توصیفی عوامل شخصیت براساس سبک‌های شناختی در گروه

فنی - مهندسی

عوامل شخصیت سبک	روان رنجور خوبی	برونگرایی	انعطاف پذیری	دلپذیری	باوجدان بودن		
						میانگین	انحراف استاندارد
همگرا	۲۳/۸۰	۲۶/۴۵	۲۹/۵۵	۳۴/۸۵	۳۳/۵۵	میانگین	
	۷/۳۳	۷/۰۵	۳/۸۸	۵/۹۷	۶/۱۰	انحراف	استاندارد
واگرا	۱۹/۶۸	۲۷/۹۶	۲۹/۸۰	۲۷/۴۰	۲۴/۹۲	میانگین	
	۷/۶۶	۷/۰۹	۴/۵۹	۷/۵۵	۵/۸۱	انحراف	استاندارد
جذب‌کننده	۲۰/۴۶	۲۴/۰۳	۲۸/۹۲	۲۵/۰۰	۲۴/۴۲	میانگین	
	۶/۷۶	۴/۹۱	۵/۵۴	۴/۲۸	۴/۵۷	انحراف	استاندارد
انطباق‌یابنده	۲۲/۸۰	۳۳/۲۶	۲۹/۱۳	۳۲/۶۰	۳۲/۲۰	میانگین	
	۷/۸۹	۳/۸۶	۶/۲۷	۳/۸۶	۳/۸۰	انحراف	استاندارد

جدول شماره ۱۲- آزمون مانوا برای تعیین تفاوت بین سبک‌های شناختی با عوامل

شخصیت در گروه فنی - مهندسی

منبع پراکندگی	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	Sig
سبک	N	۲۴۱/۴۲۹	۳	۸۰/۴۷۶	۱/۴۸۳	۰/۲۲۵

◀ بررسی رابطه سبک‌های شناختی (شیوه‌های یادگیری) با ...

◀ دکتر سیدداود حسینی نسب

حسین روئین - دکتر خلیل سلطان‌القرایی

۰/۰۰۰	۷/۷۰۲	۲۷۸/۵۷۷	۳	۸۳۵/۷۳۰	E	
۰/۹۳۲	۰/۱۴۶	۳/۷۶۵	۳	۱۱/۲۹۶	O	
۰/۰۰۰	۱۳/۵۸۹	۴۵۰/۱۲۴	۳	۱۳۵۰/۳۷۳	A	
۰/۰۰۰	۱۷/۶۵۳	۴۸۳/۴۲۶	۳	۱۴۵۰/۲۷۸	C	
		۵۴/۲۶۲	۸۲	۴۴۴۹/۵۰۲	N	خطا
		۳۶/۱۶۸	۸۲	۲۹۶۵/۸۰۵	E	
		۲۵/۷۶۳	۸۲	۲۱۱۲/۵۲۹	O	
		۳۳/۱۲۴	۸۲	۲۷۱۶/۱۵۰	A	
		۲۷/۳۸۵	۸۲	۲۲۴۵/۵۳۶	C	
			۸۶	۴۴۱۴۴	N	کل
			۸۶	۶۸۱۲۶	E	
			۸۶	۷۶۲۵۹	O	
			۸۶	۷۷۹۶۷	A	
			۸۶	۷۱۳۴۴	C	

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



جدول شماره ۱۳- آزمون تعقیبی شفه برای سبک‌های شناختی با عوامل شخصیت

متغیر	سبک همگرا	سبک واگرا	سبک جذب‌کننده	سبک انطباق‌یابنده
E	همگرا واگرا جذب‌کننده انطباق‌یابنده	*	*	*
A	همگرا واگرا جذب‌کننده انطباق‌یابنده	*	*	*
C	همگرا واگرا جذب‌کننده انطباق‌یابنده	*	*	*

**سوال شماره ۲:** آیا بین سبک‌های شناختی و عوامل شخصیت دانشجویان

گروه انسانی تفاوت وجود دارد.

برای آزمون این سوال از تحلیل مانوا استفاده شده است. با نگاهی به جدول

شماره (۱۴) ملاحظه می‌شود که بین برونگرایی با سبک‌های شناختی ( $\text{Sig}=0/121$ ،

$F=1/97$ ) بین باوجدان بودن با سبک‌های شناختی ( $\text{Si}=0/266$  ،  $F=1/33$ )؛ بین

دلپذیری با سبک‌های شناختی ( $\text{Sig}=0/304$ ،  $F=1/22$ )؛ بین روان رنجورخویی با

سبک‌های شناختی ( $F=0/03$  ،  $Sig=0/993$ )؛ بین انعطاف‌پذیری با سبک‌های شناختی  
 ( $F=0/65$  ،  $Sig=0/584$ ) تفاوتی مشاهده نشد.

جدول شماره ۱۴- آزمون مانوا برای تعیین تفاوت بین سبک‌های شناختی با عوامل  
 شخصیت در گروه انسانی

Sig	F	میانگین مجدورات	df	مجموع مجدورات	متغیر وابسته	منبع پراکندگی
0/993	0/030	2/167	3	6/500	N	سبک
0/121	1/975	40/303	3	120/909	E	
0/584	0/651	15/259	3	45/776	O	
0/304	1/223	32/211	3	96/632	A	
0/266	1/337	63/170	3	189/511	C	
		72/573	119	8636/183	N	خطا
		20/407	119	2428/424	E	
		23/439	119	2789/216	O	
		26/328	119	3132/994	A	
		47/245	119	5622/115	C	
			123	66862	N	کل
			123	123308	E	
			123	106336	O	
			123	115616	A	

			۱۲۳	۱۳۲۵۹۷	C	
--	--	--	-----	--------	---	--

**سوال شماره ۳:** آیا بین سبک‌های شناختی و عوامل شخصیت دانشجویان

گروه علوم پایه تفاوت وجود دارد.

برای آزمون این سوال از تحلیل مانوا استفاده شده است. با نگاهی به جدول شماره (۱۶) ملاحظه می‌شود که بین روان رنجورخویی با سبک‌های شناختی  $(F=2/80, Sig=0/044)$ ؛ تفاوت وجود دارد. آمار توصیفی در جدول (۱۵) نشان می‌دهد که میانگین نمره نوروتیسم در سبک واگرا  $(24/80)$  بیشتر از سایر سبک‌ها می‌باشد. بررسی دقیق در جدول شماره (۱۷) نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن عامل روان رنجورخویی در گروه علوم پایه تفاوت بین سبک واگرا با همگرا و جذب‌کننده و همین‌طور بین انطباق‌یابنده یا جذب‌کننده معنی‌دار است.

**جدول ۱۵- آمار توصیفی عوامل شخصیت براساس سبک‌های شناختی در گروه علوم**

پایه

باوجدان بودن	دلپذیری	انعطاف پذیری	برونگرایی	روان رنجورخویی	عوامل شخصیت	
					سبک	میانگین
۳۳/۳۶	۳۱/۷۶	۲۸/۱۰	۲۵/۳۶	۲۰/۰۷	همگرا	میانگین
۵/۵۵	۶/۳۲	۴/۸۰	۶/۹۱	۷/۰۰	انحراف استاندارد	
۳۲/۱۵	۳۱/۰۰	۲۹/۶۰	۲۹/۰۵	۲۴/۸۰	واگرا	میانگین
۵/۷۴	۵/۷۳	۴/۱۹	۵/۹۷	۸/۰۸	انحراف استاندارد	
۳۳/۷۱	۳۰/۳۴	۲۷/۹۳	۲۴/۹۳	۱۹/۷۵	جذب‌کننده	میانگین
۶/۳۸	۶/۳۴	۵/۵۶	۶/۰۴	۷/۹۱	انحراف استاندارد	

۳۳/۰۰	۳۰/۳۷	۲۹/۹۳	۲۷/۹۳	۲۴/۷۵	میانگین
۶/۹۰	۶/۴۸	۶/۹۶	۶/۱۳	۱۰/۹۷	انحراف استاندارد

جدول شماره ۱۶- آزمون مانوا برای تعیین تفاوت بین سبک‌های شناختی با عوامل شخصیت در گروه علوم پایه

Sig	F	میانگین مجدورات	df	مجموع مجدورات	متغیر وابسته	منبع پراکندگی
۰/۰۴۴	۲/۸۰۲	۱۸۶/۹۷۸	۳	۵۶۰/۹۳۳	N	سبک
۰/۰۷۷	۲/۳۴۹	۹۵/۴۹۷	۳	۲۸۶/۴۹۰	E	
۰/۴۶۹	۰/۸۵۱	۲۲/۹۸۳	۳	۷۱/۹۵۰	O	
۰/۷۸۲	۰/۳۶۰	۱۴/۰۴۲	۳	۴۲/۱۲۵	A	
۰/۸۳۰	۰/۲۹۴	۱۰/۷۸۹	۳	۳۲/۳۶۶	C	
		۶۶/۷۳۵	۱۰۲	۴۸۰۶/۹۶۳	N	خطا
		۴۰/۶۵۳	۱۰۲	۴۱۴۶/۶۰۵	E	
		۲۸/۱۸۸	۱۰۲	۲۸۷۵/۱۹۱	O	
		۳۹/۰۳۸	۱۰۲	۳۹۸۱/۸۳۷	A	
		۳۶/۷۴۴	۱۰۲	۳۷۴۷/۸۶۱	C	
			۱۰۶	۵۶۷۱۱	N	کل
			۱۰۶	۷۷۸۶۸	E	
			۱۰۶	۸۹۷۳۱	O	

فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز  
سال اول، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۵

			۱۰۶	۱۰۵۷۶۶	A	
			۱۰۶	۱۲۰۵۳۸	C	



جدول شماره ۱۷- آزمون تعقیبی شفه برای سبک‌های شناختی با عوامل شخصیت

متغیر	سبک همگرا	سبک واگرا	سبک جذب‌کننده	سبک انطباق‌یابنده
همگرا	*	*	*	*
واگرا	*	*	*	*
جذب‌کننده	*	*	*	*
انطباق‌یابنده	*	*	*	*

**سوال شماره ۴:** آیا بین سبک‌های شناختی و عوامل شخصیت دانشجویان

گروه علوم کشاورزی تفاوت وجود دارد.

برای آزمون این سوال از تحلیل مانوا استفاده شده است. با نگاهی به جدول

شماره (۱۹) ملاحظه می‌شود که بین برونگرایی با سبک‌های شناختی ( $\text{Sig}=0/000$ ،

$F=7/10$ )؛ تفاوت وجود دارد. جدول (۱۸) نشان می‌دهد که میانگین نمره عامل

برونگرایی در سبک انطباق‌یابنده (۳۱/۲۵) بالاتر از سبک‌های دیگر می‌باشد. آزمون

تعقیبی در جدول (۲۰) نشان می‌دهد تنها بین سبک واگرا با انطباق‌یابنده و همگرا

تفاوت وجود دارد و مابین سایر سبک‌ها تفاوتی مشاهده نگردید.

**جدول شماره ۱۸- آمار توصیفی عوامل شخصیت براساس سبک‌های شناختی گروه**

**کشاورزی**

عوامل شخصیت	روان رنجور خوبی	برونگرایی	انعطاف پذیری	دلپذیری	باوجدان بودن
همگرا	۲۳/۶۴	۲۷/۵۲	۲۶/۵۵	۲۷/۲۹	۳۰/۲۳
واگرا	۲۱/۱۰	۲۲/۸۰	۲۷/۷۰	۲۶/۰۰	۲۷/۹۰
جذب‌کننده	۲۳/۶۴	۲۶/۱۷	۲۹/۱۱	۲۷/۶۴	۲۸/۵۸
انحراف استاندارد	۸/۵۵	۵/۳۴	۶/۳۶	۷/۰۰	۹/۲۰

فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز

سال اول، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۵

۳۰/۵۰	۳۲/۶۲	۳۲/۵۰	۳۱/۲۵	۱۹/۰۰	میانگین
۶/۱۱	۳/۹۹	۶/۶۱	۴/۵۵	۶/۵۰	انحراف استاندارد

جدول شماره ۱۹- آزمون مانوا برای تعیین تفاوت بین سبک‌های شناختی با عوامل

شخصیت در گروه کشاورزی

Sig	F	میانگین مجدورات	df	مجموع مجدورات	متغیر وابسته	منبع پراکندگی
۰/۴۹۰	۰/۸۱۶	۵۹/۰۹۱	۳	۱۷۷/۲۷۴	N	سبک
۰/۰۰۰	۷/۱۰۱	۱۵۴/۹۳۵	۳	۴۶۴/۸۰۴	E	
۰/۱۵۲	۱/۸۳۰	۶۹/۶۱۲	۳	۲۰۸/۸۳۷	O	
۰/۱۰۰	۲/۱۸۴	۸۴/۸۶۷	۳	۲۵۴/۶۰۰	A	
۰/۷۷۰	۰/۳۷۶	۲۳/۵۸۸	۳	۷۰/۷۶۵	C	
		۷۲/۴۴۱	۵۸	۴۲۰/۱۵۶۵	N	خطا
		۲۱/۸۱۷	۵۸	۱۲۶۵/۴۰۶	E	
		۳۸/۰۳۶	۵۸	۲۲۰۶/۰۸۲	O	
		۳۸/۸۵۰	۵۸	۲۲۵۳/۲۸۷	A	
		۶۲/۶۷۲	۵۸	۳۶۳۴/۹۷۶	C	
			۶۲	۳۵۰۰۶	N	کل
			۶۲	۴۴۰۰۷	E	
			۶۲	۵۲۴۳۳	O	
			۶۲	۴۹۹۴۷	A	
			۶۲	۵۶۰۸۰	C	

جدول شماره ۲۰- آزمون تعقیبی شفه برای سبک‌های شناختی با عوامل شخصیت در

گروه کشاورزی

سبک	سبک	سبک	سبک	متغیر	
انطباق‌یابنده	جذب‌کننده	واگرا	همگرا	همگرا	E
*		*	*	واگرا	
				جذب‌کننده	

		*		انطباق‌یابنده	
--	--	---	--	---------------	--

## نتایج و بحث

نتایج فرضیه اول حاکی از آن است که بین سبک‌های شناختی دانشجویان در ابعاد برون‌گرایی، باوجدان بودن، دلپذیر بودن تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی افراد برون‌گرا دارای سبک انطباق‌یابنده و افراد درون‌گرا بیشتر دارای سبک جذب‌کننده و همگرا هستند. همچنین نمره باوجدان بودن و دلپذیری افراد دارای سبک همگرا و انطباق‌یابنده بیشتر از سایر سبک‌ها است. علاوه بر این که بین سبک‌های شناختی و روان‌رنجوری رابطه‌ای وجود ندارد.

رحمانی (۱۳۷۹) دریافت که بین سبک‌های شناختی و ابعاد درون‌گرایی و برون‌گرایی تفاوت معنی‌دار دیده شد. بطوری که بیشتر دانشجویان دارای سبک واگرا و انطباق‌یابنده برون‌گرا و بیشتر دانشجویان دارای سبک همگرا و جذب‌کننده درون‌گرا بودند.

سیمون، فوتانا و ویلیامز (۱۹۸۶)، میلز (۱۹۹۸) در تحقیقات‌شان دریافتند که بین شخصیت و سبک‌های شناختی رابطه وجود دارد.

در فرضیه دوم نتایج نشان داده است که تفاوت بین جنس در شیوه یادگیری تجربه عینی و شیوه مشاهده تأملی معنی‌دار است. به گونه‌ای که مردان در تجربه عینی و زنان در مشاهده تأملی نمره بالایی گرفته‌اند.

ماگولدا (۱۹۸۹) دریافت که رشد شناختی زنان الگوی متفاوت کیفی را نسبت به مردان نشان نمی‌دهد. زنان و مردان در دیدگاهشان نسبت به دانش روشهای یادگیری متفاوتی دارند. نایت و همکاران (۱۹۹۷) در تحقیق خود دریافتند که مردان نسبت به زنان سبک‌های یادگیری خود را از روی احساس گزارش کرده‌اند تا تفکر. یعنی در پرسشنامه سبک شناختی نمرات بیشتری در تجربه عینی کسب کرده‌اند. به عبارتی قضاوتشان شهودی است. بنابراین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که سبک



شناختی زنان و مردان از هم متفاوت می‌باشد. هیکسون و بالتیمور (۱۹۹۶) در تحقیق خود دریافتند که سبک‌های شناختی زنان و مردان متفاوت است به گونه‌ای که نتایج حاکی از آن بوده که ۶ متغیر از ۲۲ متغیر این پژوهش در زنان و مردان متفاوت بوده است.

همچنین این تحلیل نشان داده که بین گروه‌های مختلف تحصیلی در شیوه یادگیری تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به طوریکه گروه انسانی بیشتر دارای شیوه آزمایشگری فعال هستند. در گروه علوم پایه برتری با شیوه مفهوم‌سازی انتزاعی است و در گروه فنی - مهندسی و کشاورزی شیوه تجربه‌عینی دارای بیشترین درصد می‌باشد. در مورد اثر تعاملی جنس و رشته تحصیلی بر شیوه‌های یادگیری، تنها در مفهوم‌سازی انتزاعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

مساواتی آذر (۱۳۸۱) دریافت که تفاوت میانگین شیوه تجربه‌عینی، مشاهده تأملی، مفهوم‌سازی انتزاعی بین گروه‌های تحصیلی معنی‌دار است. به گونه‌ای که گروه علوم انسانی و فنی - مهندسی در شیوه یادگیری تجربه‌عینی، گروه فنی و پزشکی در شیوه یادگیری مشاهده تأملی، گروه پزشکی در شیوه یادگیری مفهوم‌سازی انتزاعی بالاترین نمره را کسب کرده‌اند.

نتایج تحلیل فرضیه سوم نشان داده که برونگرایی با شیوه تجربه‌عینی و آزمایشگری فعال همبستگی مثبت معنی‌دار و با مشاهده تأملی و مفهوم‌سازی انتزاعی همبستگی منفی دارد. در بعد دلپذیری و بعد با وجدان بودن نتایج نشان می‌دهد که این ابعاد رابطه مثبت معنی‌دار با آزمایشگری فعال و همبستگی منفی با تجربه‌عینی و مشاهده تأملی دارند. نتایج این تحقیق با بخشی از پژوهش جکسون و جونز (۱۹۹۶) همخوانی دارد. آنها در تحقیق خود دریافتند برونگرایی همبستگی مثبت با آزمایشگری فعال و تجربه‌عینی و همبستگی منفی با مشاهده تأملی و مفهوم‌سازی انتزاعی داشت. همچنین آنان به این نتیجه رسیدند که بین روان‌پریشی خوبی (که ترکیبی از دلپذیر بودن و باوجدان بودن است) و شیوه یادگیری آزمایشگری فعال همبستگی مثبت و بین روان‌پریشی خوبی و شیوه یادگیری مفهوم‌سازی انتزاعی و مشاهده تأملی

همبستگی منفی وجود دارد. ولی بعد روان رنجورخویی با شیوه‌های سبک‌های شناختی در ارتباط نبود.

هینکل در تحقیق خود دریافت شیوه یادگیری تجربه عینی با درونگرایی، شیوه یادگیری مشاهده تأملی با درون‌گرایی و شیوه آزمایشگری فعال با برون‌گرایی ارتباط داشت (نقل از رحمانی شمس، ۱۳۷۹).

نتایج سؤالات این پژوهش نشان می‌دهد که در گروه فنی - مهندسی بین سبک‌های شناختی در ابعاد برون‌گرایی، باوجدان بودن، و دلپذیر بودن تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به گونه‌ای دانشجویان دارای سبک انطباق‌یابنده نمره برون‌گرایی بیشتری دارند. دانشجویان دارای سبک همگرا نمره باوجدان بودن و دلپذیریشان بالاتر از سایر سبکها است. در گروه علوم انسانی بین سبک‌های شناختی در هیچکدام از ابعاد شخصیت تفاوتی مشاهده نشده است. در گروه علوم پایه تنها بین سبک‌های شناختی در بعد روان رنجورخویی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به شکلی که افرادی که سبک واگرا دارند نمره بیشتری در بعد روان رنجورخویی کسب می‌کنند. در گروه کشاورزی بین سبک‌های شناختی در بعد برون‌گرایی تفاوت معنی‌دار است. به گونه‌ای که سبک کسانی که انطباق‌یابنده است برون‌گراترند.

## پیشنهادها

استفاده مدرسان از شیوه‌های مختلف تدریس در کلاس تا هر فراگیر مطابق سبک شناختی خود به یادگیری بپردازد؛ شناخت سبک‌های شناختی فراگیران به منظور هدایت تحصیلی و شغلی آنان؛ آگاه ساختن فراگیران از سبک‌های مختلف شناختی در جهت ایجاد تعدیل و متعادل‌سازی برای رشته‌های مختلف تحصیلی و همچنین برای احراز مشاغل متفاوت؛ پیشنهاد می‌شود انتخاب رشته

تحصیلی دانشجویان با اطلاع از سبک‌های شناختی و عوامل شخصیتی آنان صورت گیرد.

## منابع

- پروین، لارنس ای (۱۳۷۳). روانشناسی شخصیت. ترجمه پروین کدیور و محمدجعفر جوادی. جلد اول، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- تقوایی‌نیا، علی (۱۳۸۱). بررسی رابطه بین سبک‌های شناختی، اضطراب ریاضی با عملکرد ریاضی در دانش‌آموزان پسر سال اول دبیرستان‌های منطقه هفت شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران.
- حسینی‌لرگانی، سیده مریم (۱۳۷۷). مقایسه سبک‌های یادگیری دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد زن و مرد قوی و ضعیف سه رشته علوم انسانی، پزشکی و فنی - مهندسی دانشگاه‌های شهر تهران در سال ۷۸-۷۷. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- رحمانی شمس، حسن (۱۳۷۹). مقایسه تیپ‌های شخصیتی و سبک‌های یادگیری مرد و زن چهار رشته تحصیلی پزشکی، فنی - مهندسی، هنر و علوم انسانی دانشگاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۰). روانشناسی پرورشی، روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران: آگاه.
- شولتز، دوان. شولتز، سیدنی الن (۱۳۷۹). نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: موسسه نشر ویرایش.
- گروسی فرشی، میرتقی (۱۳۸۰). رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت. تبریز: نشر جامعه پژوه.

مساواتی آذر، پریسا (۱۳۸۱). بررسی رابطه سبک‌های شناختی (همگرا، واگرا، جذب‌کننده، انطباق‌یابنده) با منبع کنترل دانشجویان دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۸۰-۷۹.

Diener, E. & Lucas, R. E (1996). *Personality and subjective well being. The foundations of hedonic psychology* (pp. 113-124). New York: Russell sage.

Fontana, D (1995). *Psychology for professional Group: Psychology for Teachers (th. ed)*. London: Macmillan press LTD.

Jackson, C & Jones, L. M (1996). *Explaining the overlap between personality and learning style. Person, Individual, Diff.* vol. 20, no. 3. 293-300.

Hichson, J., & Baltimre. (1996). *Gender Related Learning style patterns of middle school pupils. School psychology international*, 20. 59-70.

Knight, K. H., Elfenbein, M. H. & Martin, M. B. (1997). *A psychometric reexamination of Kolb's experiential style construct: A separation of level, style, & process.*

Kolb, D. A and Goldman, M (1973). *Toward a typology of learning style and learning environment. An investigation of the impact of learning styles and discipline demands on academic performance.*

Kolb, D. A (1984). *Experimental learning Englewood CLIFFS, N. J: Prentice-Hall.*

Kolb, D. & Fry, R. (1975). *Towards an applied theory of experimental learning. In C. Cooper (Ed). Theories of group processes. London: Wiley.*

Magolda, M. B (1989). *Coder differences in cognitive development: Journal of college student development.* 30, 213-220.

- McCrae, R. & John, O. P (1992). *An introduction on the five-factor model and its applications*. *Journal of personality*. 60-175.
- Mills, C. J (1998). *Personality learning style and cognitive style profiles of mathematically talented student*. *European Journal for High Ability*, 9(1), 70-85.
- Robotham, D (1995). *Self directed learning the ultimate learning style*. *Journal of European instructional*. 19(7): 3-7.
- Simon, A. Fontana, D. Williams, E (1986). *Performance on tests of study habits, neuroticisms, Extraversion, academic self-concept, intelligence and A level by polytechnic student classified as focusers and scammers on a concept matrix test*. *Personality and individual*. Vol. 7, N. 2, p. 229-231.
- Woolfolk, A. E. (1995). *Education psychology (6 th. ed)*. Boston: Allyn and Bacon.
- 1- Hossein Roein (M. A)  
2- Dr. Davood Hosseini – Nasab (ph.D)  
3- Dr. Ghalil Soltanakhori (ph.D)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی